مبارزه با قاسطین؛ راه فقرزدایی

قسط در عربی به معنی سهم و نصیب و بهره و عدالت است که اگر به صورت ثلاثی مجرد و اسم فاعل به کار رود (قسط و قاسط) معنی ظلم و ظالم می‌دهد و اگر در قالب ثلاثی مزید و باب افعال به کار رود (اقسط و مقسط) به معنی عدالت‌ورزی می‌باشد (مفردات راغب، ص ۴۰۳) عدالت قسطی به معنای دادن سهم و قسط هر کسی از نعمت‌های الهی است؛ زیرا هر انسانی جدا از مسلمان و غیرمسلمان بودن، دارای حقی از نعمت‌های الهی است. (حدید، آیه ۲۵)

اسلام بر عدالت به ویژه در قالب عدالت قسطی به عنوان یک هدف متعالی برای کل تعلیمات و آموزه‌های اسلام از آدم(ع) تا خاتم(ص) تاکید دارد.(همان)

اما در این میان قاسطین یا همان قسط‌خواران و ستم‌پیشگان اجازه نمی‌دهند تا هر کسی از نعمت‌های الهی در دنیا بهره مند شود و قسط خودش را بردارد.بنابراین، بر مقسطین (قسط‌خواهان) و عدالت‌خواهان است تا از ظالم و مستکبر حتی با جنگ(نساء، آیه ۷۵) سهم قسط مظلوم و مستضعف را مطالبه نمایند.

این روشی است تا فقر از جوامع بشری به شکل عقلی و شرعی زدوده شود؛ اما اینکه ما بیائیم یک کار عاطفی انجام دهیم و به فقیر از روی دلسوزی کمک کنیم، فقرزدایی نیست، بلکه فقیر را زنده نگه داشتن و فقر را حفظ کردن است. حتی ظالمان و مستکبران نیز نهادهایی در جهان ایجاد کرده‌اند که فقیر را زنده نگه دارند، اما هیچ تلاشی برای فقرزدایی نمی‌کنند؛ زیرا اگر بخواهند این کار را بکنند باید دست از ظلم و بی‌عدالتی و قسط‌خوری بردارند.

امیر مومنان(ع) می‌فرماید: لَو تَمَثَّلَ لِیَ الفَقرُ رَجُلاً لَقَتَلتُهُ؛ اگر فقر به شکل مردی برایم تمثل می‌یافت آن را می‌کشتم.(احقاق الحق، شوشتری، ج ۳۲، ص ۲۱۷)

پس درست کردن نهادی چون کمیته امداد خوب است تا فقیر نمیرد، ولی مهم تر آن است با مبارزه با قاسطین (قسط‌خواران) ، فقر را از میان برد، یعنی باید به جنگ اختلاس‌کنندگان رفت و ریشه آنان را زد و با کسانی که حقوق‌های نجومی به ظاهر قانونی می‌گیرند برخورد قاطع کرد تا دیگر قاسطین نباشند. این‌گونه است که می‌توان فقر را گردن زد و فقیر را به غنا رساند تا دیگر نیازی نباشد کمیته امدادی داشته باشیم.

اهمیت ظاهر در اسلام

در روایت است که امام معصوم می‌فرمایند: اگر دو نفر بر سر ثواب نماز جماعت اختلاف کنند و هر کدام دوست داشته باشد که خودش ثواب امامت جماعت را حائز شود، می‌فرمایند ببینید کدام یک از دو امام ،أقرء است؛ یعنی قرائتش بهتر است. اگر در قرائت مساوی بودند ببینید کدام یک افقه است، اگر باز مساوی بودند، ببینید کدام یک زودتر برای طلب علم مهاجرت کرده، اگر باز مساوی بودند ببینید کدام یک مسنّ‌تر است و در نهایت حضرت می‌فرمایند: اگر باز هم مساوی بودند ببینید کدام یک «اصبح وجهاً» است یعنی چهره زیباتری دارد، او را امام جماعت خود قرار دهید. با اینکه جمال ظاهری امر اختیاری نیست اما در این روایت برای آن حساب باز شده است. نظایری هم برای آن وارد شده است مثل «علیکم بالحسان من الظئوره» یعنی دایه‌های زیباروی را برای شیر دادن به فرزندانتان انتخاب کنید. «فانّ اللّبن یُعَدّی» یعنی شیر باعث انتقال خلقیّات و خُلقیّات به بچه است.

درهر حال جمال و بلکه تجمّل(اظهار زیبائی و جمال) مطلوب شرع انور است. حضرت به جوانی فرمودند: موهای تو بر عهده تو حقی دارند. اگر موهای سرت را می‌خواهی نگهداری باید به تمیزی و زیبایی آنها اهمیت بدهی. موهایت را شانه بزن. اگر در دسترس تو آینه‌ای نیست، با نگاه کردن در آب آنها را شانه بزن. خودت را آراسته نگهدار. حضرت فرمود: سرت را برس و الّا کوتاه کن.

رسول خدا بر سر مبارک روغن می‌زدند و می‌فرمودند: «علیکم بدهن البَنَفسَج فانّ له فضلا علی الادهان کفضلی علی سائر الخلق». یعنی بر شما باد استفاده از روغن بنفسج که برتری آن بر دیگر روغن‌ها مانند برتری من بر سایر خلائق است.(قرب الإسناد، أبی العباس عبدالله بن جعفر الحمیری، ص۱۱۸)

کانال رسمی آیت‌الله سید حسن عاملی
https://telegram.me/seyed_hasan_ameli

اعتماد و رهن

یک جامعه مبتنی بر سبک زندگی قرآنی، جامعه‌ای مبتنی بر عقل و علم است؛ زیرا اگر چنین نباشد، از نظر قرآن، جامعه جاهلی است. این جاهلیت می‌تواند به سبب فقدان علم یا عقل در آن جامعه و عدم به کاری گیری آن باشد؛ زیرا در قرآن، گاه جهل در برابر عقل و گاه جهل در برابر علم به کار رفته است؛ پس جامعه جاهلی یا نمی‌داند و بر اساس ظن و گمان عمل می‌کند، یا آنکه اصلا اهل فکر و تعقل نیست تا با تعقل، حقیقت را روشن نماید و بر اساس آن عمل کند.

از ویژگی‌های جامعه جاهلی این است که مردم آن بر خلاف اصول اخلاقی عمل می‌کنند و اصول اساسی چون صداقت، امانت، وفاداری و مانند آن را مراعات نمی‌کنند. این گونه است که فضای جامعه جاهلی فضای بی‌اعتمادی می‌شود. بازتاب این بی‌اعتمادی را می‌توان در اموری چون گرو و رهن گرفتن در آن جامعه دید.

اما یک جامعه قرآنی بر اساس علم و عقل، همه اصول اخلاقی بلکه اصول شرعی که بایدها و نبایدهای سختگیرانه تری دارد، عمل می‌کند. در نتیجه معاملات آنان بر اساس اعتماد متقابل است و هر کسی به قول و قراری که داده عمل می‌کند و با صفقه یعنی دست دادن معامله تمام می‌شود و هیچ کس رهن و گرو نمی‌گیرد.

البته برخی ممکن است بگویند عقل می‌گوید: رهن و گرو بگیریم و به قول و قرار اکتفا نکنیم؛ در پاسخ باید گفت: اگر کس یا جامعه‌ای واقعا عاقل و اخلاقی باشد، چون دروغ و خیانت و غیره در میان آنان نیست، به هر چه می‌گویند عمل می‌کنند و سرشان برود قولشان نمی‌رود. امام صادق(ع) درباره جامعه‌ای که اعتمادشان به سخن و قول و قرارشان نیست و باید گرو و رهن بگیرند، می‌فرماید: مَنْ کَانَ الرّهْنُ عِنْدَهُ أوْثَقَ مِنْ أخِیهِ الْمُسْلِمِ فَأنَا مِنْهُ بَرِیء؛ هر کس گرو و رهن در نزدش از قول برادر مسلمانش محکم‌تر و استوارترو مطمئن‌تر باشد، من از آن شخص برائت می‌جویم.(المحاسن، البرقی، ج ۱، ص ۱۰۲)

پس اعتماد مهمترین سرمایه هر جامعه است و نباید آن را از میان برداریم و با دروغ و خیانت و بی‌وفایی زمینه فقدان اعتماد اجتماعی را در جامعه فراهم کنیم.

فقه رسانه؛ بایدها و نبایدها -۲

فعالیت‌های رسانه‌ای واجب کفایی

خلیل منصوری

رسانه‌ها مهم‌ترین ابزار برای ارائه حق است، پس بهره‌گیری از رسانه واجب است تا حق کتمان نشود و به گوش همگان برسد. البته آمیخته شدن حق و باطل نیز در رسانه بسیار محتمل است؛ و باید مواظب بود تا گرفتار چنین گناهی نشد.

در نخستین بخش این مطلب، مقدماتی پیرامون چیستی فقه، منابع و مبانی فقه و اجتهاد و جایگاه رسانه در فقه مورد بررسی قرار گرفت اینک ادامه مقاله از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

***

نسبت فقه رسانه با اخلاق رسانه ای

یکی از مسایل و موضوعاتی که باید مد نظر قرار گیرد، تبیین رابطه میان فقه رسانه و اخلاق رسانه است. می دانیم که اخلاق مجموعه ای از بایدها و نبایدهایی است که فطرت انسان بدان گرایش دارد. انسان با چراغ عقل و راهنمایی درونی فطرت به بایدها و نبایدهایی می رسد که در میان بشریت که بر فطرت خود باقی مانده اند، یکسان و فراگیر است.

اما فقه ، بایدها و نبایدهایی است که شارع به عنوان مالک انسان وضع می کند. البته بر اساس آموزه های قرآنی، میان دریافت ها و باید و نبایدهای فطری با احکام اسلامی مطابقت وجود دارد. (روم، ۳۰)

اسلام بر اساس آنکه مطابق با فطرت است، همه احکام فطری را در قالب احکام خمسه شرعی با توجه به اهمیت و ارزش گذاری متفاوت آن، تبیین کرده و حکم ارشادی فطرت را در قالب حکم مولوی شریعت اسلامی تعریف نموده است. این گونه است که بایدها و نبایدهای فطری که ضمانت اجرایی نداشتند، در قالب احکام خمسه دارای ضمانت اجرایی می شوند.

به سخن دیگر، احکام فطری که در قالب بایدها و نبایدهای اخلاقی است به دلیل عدم ضمانت اجرایی می توانست از سوی انسان ها نادیده گرفته و خطوط قرمز و زرد آن به عنوان خط سبز قلمداد شده و از آنها عبور شود؛ زیرا در صورت عبور از احکام فطری تنها سرزنش و توبیخ و در برخی از موارد طرد اجتماعی انجام می شود؛ اما وقتی در قالب احکام خمسه در می‌آید، عبور از آنها در حکم گناه و برخی از موارد جرم تلقی می شود و مواخذه و مجازات و کیفر دنیوی در قالب حد و دیات و عذاب های اخروی را به دنبال دارد. در حقیقت شارع حکم ارشادی فطرت را به عنوان حکم مولوی جعل و وضع می‌کند و برای آن ضمانت اجرایی در قالب گناه و جرم تعریف می کند.

مشروعیت رسانه از منظر اسلام

رسانه همانند هر ابزار و فعالیت دیگری دو چهره مثبت و منفی دارد. از آنجا که رسانه بویژه در جهان امروز، بزرگترین ابزار تاثیر فرهنگی و تعلیم و تربیت، گفتمان سازی، سبک سازی زندگی ، افکار سازی و تغییر عقاید و افکار و رفتار است و انواع پیام ها از راه رسانه تبادل می‌شود، در همه عرصه های زندگی بشر حضور و نفوذ مستقیم و غیر مستقیم دارد و در حوزه های نظامی و جنگ نرم و سخت مورد توجه همگان از عالی ترین دارندگان نقش اجتماعی یعنی رهبران تا کارگزاران و توده های مردم است. از همین رو باید از سوی رهبران اجتماعی مسلمان نیز در دستور کار قرار گیرد.

خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال می فرماید: و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان- که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد- بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

در جهان معاصر رسانه هم در قالب ابزار دفاعی و هم ابزار هجومی مورد کاربرد است و نمی توان نقش رسانه را به عنوان یک وسیله دفاعی و حتی هجومی نادیده گرفت.

بی‌گمان یکی از مهمترین ابزارهای دفاعی و حتی تهاجمی در دنیای معاصر، ابزار قدرتمند رسانه است که در جنگ نرم و تغییر افکار و تسخیر قلوب بسیار نقش اساسی دارد و می‌تواند فلسفه و گفتمان و سبک زندگی انسان ها را تغییر دهد و موقعیت دشمن را به خطر اندازد و در جنگ نرم و روانی، دشمن را زمینگیر یا وادار به عقب‌نشینی کند و موجبات ترس و وحشت آنان را فراهم آورد.

البته در اسلام هرگز هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و به هر ابزار و وسیله ای مشروعیت نمی‌بخشد. لذا برای ابلاغ پیام نمی توان از ابزارهای نامشروعی چون سکس استفاده کرد و پیام حق و مشروع و انسانی را از این راه به دیگران منتقل کرد.

شکی نیست که رسانه و ابزارهای رسانه ای در نشر فضیلت و گسترش فلسفه دین و احقاق حقوق و گسترش فرهنگ عدالت خواهی و ستم ستیزی نقش اساسی دارد و مهمترین ابزار آموزشی و پرورشی در جهان امروز است. پس در مشروعیت آن به عنوان یک ابزار کارآمد و مفید و سازنده شکی نیست.

اما این مشروعیت – چنانکه خواهد آمد – دارای خطوط قرمز و زردی در قالب محرمات و مکروهات است. در یک جمله کوتاه اگر بخواهیم حکم فقه اسلامی را به رسانه و ابزارهای پیام رسانی در جهان امروز بیان کنیم، باید حکم اباحه و جواز را برای کلیت آن داشته باشیم.

در مشروعیت یا عدم مشروعیت هر ابزاری از جمله ابزار رسانه و فعالیت های آن باید به کارکردهای آن توجه داشت؛ زیرا این کارکردها است که نه تنها مشروعیت و عدم مشروعیت اسلامی یک ابزار را مشخص می‌کند، بلکه وضعیت مشروعیت و ابعاد فقهی آن را در چارچوب حالات احکام خمسه نیز روشن می‌سازد.

مهم‌ترین کارکردهای ابزارهای رسانه‌ای شامل موارد زیر است:

الف. روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در مسائل گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها؛

ب. پیشبرد اهداف اسلام و گفتمان و سبک زندگی اسلامی و تبیین آن برای همه اقشار مختلف مردم با اهتمام به تفاوت‌های فرهنگی و فکری و فهم و رفتار؛

ج. تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف در تقابل و مقابل هم؛

د. مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری از جمله اسراف، تبذیر، اعمال بیهوده، تجمل پرستی، اشاعه فحشا و مانند آنها و نیز ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی و رفتارهای هنجاری.

دلایل وجوب کفائی فعالیت‌های رسانه‌ای

از آیات قرآن و روایات اسلامی می‌توان دریافت که فعالیت‌های رسانه‌ای در راستای ابلاغ دین و گفتمان و فرهنگ اسلامی و تعلیم و تربیت‌الهی اسلامی، از واجبات کفایی است.

برخی دلایل وجوب کفایی فعالیت‌های رسانه‌ای و استفاده از ابزارهای رسانه آن شامل ادله قرآنی و روایی زیر است:

۱- آیه استعداد: و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این تدارکات، دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنان دیگری را غیر از آنان- که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسید- بترسانید و هرچیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت. (انفال، آیه ۶۰) بی‌گمان یکی از مهمترین ابزارهای دفاعی و حتی تهاجمی در دنیای معاصر، ابزار قدرتمند رسانه است که در جنگ نرم و تغییر افکار و تسخیر قلوب بسیار نقش اساسی دارد و می‌تواند فلسفه و گفتمان و سبک زندگی انسان‌ها را تغییر دهد و موقعیت دشمن را به خطر اندازد و در جنگ نرم و روانی، دشمن را زمینگیر یا وادار به عقب‌نشینی کند و موجبات ترس و وحشت آنان را فراهم آورد. پس رسانه به عنوان یک ابزار و وسیله دفاعی و تهاجمی باید مورد استفاده قرار گیرد. از این منظر فعالیت رسانه‌ای یک واجب کفایی است که باید حتما گروهی به آن وارد و در آن توانمند شوند.

۲- دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر: یکی از واجب‌های عمومی مسلمانان امر به معروف و نهی از منکر است که این وظیفه برای بخشی از جامعه به عنوان یک وظیفه سازمانی تعریف می‌شود. از این رو خداوند فرمان می‌دهد تا از امت بخشی به عنوان دعوت کننده به خیر و آمران به معروف و ناهیان از منکر مسئولیت اجتماعی در این زمینه را به عهده گیرند. شاید ابزار رسانه یکی از مهم‌ترین ابزارهایی باشد که می‌تواند دعوت‌کننده مردم به خیر و نیز امر به معروف و نهی از منکر باشد. بر این اساس ابزار رسانه در جهان معاصر به عنوان کاربردی‌ترین ابزار دعوت به خیر باید مورد استفاده برخی از اقشار جامعه قرار گیرد. این باید در حد واجب کفایی قابل اثبات است. خداوند می‌فرماید: و باید از میان شما، گروهی، مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. (آل‌عمران، آیه۱۰۴)

۳- آیه نفر: یکی از ادله‌ای که برای فعالیت‌های رسانه می‌توان به آن استناد کرد، آیه نفر است. خداوند می‌فرماید: و شایسته نیست مؤمنان همگی کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین با ژرف‌نگری و فهم عمیق از آن آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند، شاید که آنان [از کیفر الهی] بترسند؟ (توبه، آیه۱۰۲)

این آیه بیان می‌کند بر گروهی از مؤمنان است که تا سرزمین‌های خویش به سوی مرکز اسلام کوچ کرده و در دین تفقه نمایند و سپس به میان قوم بازگردند و مردم را انذار کنند. یکی از روش‌های انذاری بهره‌گیری از رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای است.

۴- آیه تعلیم و تزکیه: در قرآن یکی از وظایف مهم پیامبران(ع) تعلیم و تزکیه دانسته شده است. البته نوع تعلیم و تزکیه آنان با تعلیم و تزکیه دیگران تفاوت ماهوی دارد؛ زیرا آنان در تعلیم و تزکیه خود در جان مردمان تصرفاتی نیز دارند که برای مؤمنان در درجات پائین شدنی است. خداوند می‌فرماید: اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب حکمت به آنها بیاموزد و آنان قطعاً پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند. (جمعه، آیه۲) همچنین خداوند می‌فرماید: پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو خود، شکست‌ناپذیر حکیمی.» (بقره، آیه۱۲۹) آیات دیگری چون آیه ۱۵۱ سوره بقره و ۱۶۴ سوره آل‌عمران نیز همین معنا و مفهوم را بیان می‌کند. از این آیات به دست می‌آید که تزکیه و تعلیم نقش اساسی در اسلام داراست و هر کسی موظف است تا این مسئولیت را در حد توان خود انجام دهد. برای انجام این مسئولیت نیازاست تا از همه ابزارها از جمله ابزار بسیار مهم و کارآمد رسانه‌ای بهره برد.

۵- آیه دعوت: از دیگر ادله‌ای که می‌توان به آن برای اثبات بهره‌گیری از ابزار رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای به عنوان یک واجب کفایی اشاره کرد، آیه دعوت است. خداوند می‌فرماید: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت، پروردگار تو به حال کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به حال راه‌یافتگان نیز داناتر است. (نحل، آیه۱۲۵) این آیه هر چند خطاب به پیامبر(ص) است، ولی هر مسلمانی در مقام دعوت باید از روش‌های متنوع از جمله روش‌های مطرح در این آیه برای تبلیغ دین و دعوت مردم به حکمت الهی بهره برد که از جمله آنها بهره‌گیری از روش‌های رسانه‌ای است.

۶. آیه تبلیغ: یکی از ادله برای وجوب کفایی بودن استفاده از ابزار رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای، تبلیغ دین به عنوان یک وظیفه و تکلیف الهی است. خداوند می‌فرماید: همان کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند. (احزاب، آیه ۳۹) این آیه هر چند به طور مستقیم امر به تبلیغ نمی‌کند، بلکه با جمله خبری که در طلب قوی‌تر است بیان می‌کند که کسانی هستند که به امر تبلیغ رسالات الهی می‌پردازند. از جمله این افراد می‌توان به کسانی اشاره کرد که با ابزار رسانه به تبلیغ دین می‌پردازند.

۷. جهاد علمی: جهاد علمی یکی از وظایف هر مسلمانی است تا افزون بر دفع شبهه بر اساس آموزه‌های قرآنی، با تلاش و مجاهدت، مردم را نسبت به آموزه‌های قرآن آشنا و آنان را به سمت فلسفه و سبک زندگی اسلامی و قرآنی دعوت کنند. خداوند می‌فرماید: و جاهدهم به جهادا کبیرا؛ پس، از کافران اطاعت مکن و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز. (فرقان، آیه ۵۲) شکی نیست که یکی از ابزارهای مهم در جهاد علمی، ابزار رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای است. از آنجا که جهاد علمی واجب است، این واجب کفایی در حوزه رسانه نیز به عنوان مقدمه واجب و ابزار واجب، واجب می‌شود.

۸. کتابت و نگارش: قرآن اصل در وحی تمدن‌ساز و شریعت‌ساز را کتاب می‌داند. (حدید، آیه ۲۵) از این رو بر ارسال رسولان همراه با انزال کتب تاکید دارد؛ زیرا تمدن و حقوق و شریعت در قالب نوشتار می‌تواند شکل گیرد و عنصر نگارش و نوشتار، عنصر اساسی مدنیت و تمدن است. اصول و قوانین شفاهی، تغییرپذیر و فراموش‌شدنی و غیرقابل استناد است، اما کتاب، قابل استناد است. شکی نیست که یکی از مهم‌ترین ابزارهای رسانه‌ای کتابت و نگارش است. در آموزه‌های اسلامی بسیار بر نقش کتاب و نگارش و کتابت تاکید تاکید شده است. خداوند در آیه نخست سوره قلم به قلم سوگند می‌خورد و می‌فرماید: ن و القلم و ما یسطرون؛ نون و سوگند به قلم و آنچه می‌نگارد. پیامبر(ص) می‌فرماید: قیدوا العلم بالکتابة؛ علم را با نوشتن [آن] به بند بکشید. (بحار الانوار،ج ۲، ص ۱۵۱) و نیز می‌فرماید: مؤمن چون از دنیا رود و برگه‌ای دانش‌دار از خود برجای نهد، این برگه در روز رستاخیز، میان او و آتش دوزخ پرده‌ای شود و خدای خجسته و بزرگ برای هر حرفی که بر آن برگه نوشته شده باشد، شهری به فراخناکی هفت گیتی به وی بخشد (بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۴) امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: تأملی کن مفضل! از نعمت‌های الهی برای آدمی «نوشتن» است که به وسیله آن رخدادهای گذشتگان برای بازماندگان و رویدادهای زندگان برای آیندگان به بند کشیده می‌شود و نوشتارهای علمی و اخلاقی و جز آن جاودانه می‌ماند.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۸)

۹- حرمت کتمان: یکی از محرمات در اسلام، حرمت کتمان حق و آموزه‌های وحیانی اسلام از مردم است. خداوند علمای یهودی را سرزنش می‌کند که به کتمان حق می‌پرداختند. خداوند در قالب نهی از کتمان می‌فرماید: ولاتلبسوا الحق بالباطل و تکتموا الحق و انتم تعلمون؛ و حق را به باطل درنیامیزید و حقیقت را- با آنکه خود می‌دانید- کتمان نکنید. (بقره، آیه ۴۲) البته در این آیه از آمیزش حق و باطل برای ایجاد التباس نیز نهی شده است. شکی نیست که رسانه‌ها مهم‌ترین ابزار برای ارائه حق است، پس بهره‌گیری از رسانه واجب است تا حق کتمان نشود و به گوش همگان برسد. البته آمیخته شدن حق و باطل نیز در رسانه بسیار محتمل است؛ و باید مواظب بود تا گرفتار چنین گناهی نشد. خداوند کتمان‌کنندگان حق و آموزه‌های وحیانی اسلام را ملعون می‌داند و می‌فرماید: کسانی که نشانه‌های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم، بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم، نهفته می‌دارند، آنان را خدا لعنت می‌کند و لعنت‌کنندگان لعنتشان می‌کنند. (بقره، آیه ۱۵۹) از نظر قرآن عدم پوشش رسانه‌ای حقایق و سرپوش گذاشتن روی آن برای کسب درآمد، کاری بس نادرست است؛ بنابراین باید به هر طریقی از جمله رسانه‌ها، حقایق به گوش مردم برسد. در این‌باره آیات بسیاری در قرآن وارد شده است. (بقره، آیه ۱۷۴؛ نساء، آیات ۳۷ و ۴۲)

شکی نیست که رسانه و ابزارهای رسانه ای در نشر فضیلت و گسترش فلسفه دین و احقاق حقوق و گسترش فرهنگ عدالت خواهی و ستم ستیزی نقش اساسی دارد و مهمترین ابزار آموزشی و پرورشی در جهان امروز است.

۱۰- حرمت تحریف: از ادله تحریف نیز می‌توان دریافت که فعالیت‌های رسانه‌ای در راستای تبلیغ دین و جلوگیری از تحریف یک واجب کفایی است. از نظر قرآن تحریف در همه ابعاد آن از جمله تحریف معنوی یعنی یحرفون الکلم عن مواضعه، حرام است. البته کار تحریف از سوی عالمان انجام می‌گیرد؛ زیرا تحریف معنوی از سوی کسانی صورت می‌گیرد که علم الکتاب داشته و به آموزه‌های وحیانی آگاهی و علم دارند. برای جلوگیری از تحریف باید کسانی باشند تا تحریف‌کنندگان را به مردم معرفی و موارد و مواضع تحریفی را بیان کنند. شکی نیست که رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای می‌توان جلوی تحریف و تحریف‌کنندگان را بگیرد همان‌طوری که جلوی کتمان حق را نیز می‌تواند بگیرد.

ادله بسیار دیگری نیز می‌توان در این زمینه مطرح کرد که اصل بهره‌گیری از رسانه و ابزارها و فعالیت‌های رسانه‌ای را نه تنها جایز بلکه واجب کفایی قرار می‌دهد. می‌دانیم که از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغی ابزارهایی چون تلاوت (بقره، آیات ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، آیه ۱۶۴؛ جمعه، آیه۲)، بیان و سخنوری و سخندانی (نساء، آیه ۶۳؛ طه، آیات ۲۷ و ۲۸ و ۴۴؛ نحل، آیه ۳۵؛ نور، آیه ۵۴)، شعر (شعراء، آیات ۲۲۴ و ۲۲۷)، جارچیان و منادیان (اعراف، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲؛ شعراء، آیات ۳۶ و ۳۷)، نامه (نمل، آیات ۲۸ تا ۳۱) و مانند آنها است. همه اینها ابزارهای رسانه‌ای هستند که در تلفن، تلویزیون، اینترنت و پست‌های الکترونیکی، سینما، روزنامه‌ها و مطبوعات و مانند آنها می‌توان ردگیری و شناسایی کرد. امروزه رسانه‌ها همزمان همه این اقسام دیداری و شنیداری را در اختیار مخاطب قرار می‌دهند و پیام‌رسان می‌تواند با این ابزارها پیام خویش را به انواع گوناگون به گیرنده پیام برساند. پس می‌توان گفت اگر اصل پیام‌رسانی دینی یک واجب کفایی است، استفاده از این ابزارهای پیام‌رسانی دینی نیز به عنوان مقدمه واجب کفایی، واجب است.

البته درباره تصویر و مجسمه‌سازی و شعر حرف و حدیث بسیار است که آیا اینها می‌تواند به عنوان یک رسانه اسلامی عمل کند یا اینکه ذات این امور مشکل داشته و حرام است و اسلام استفاده از هر ابزار مشروع و غیرمشروع برای رسیدن به هر هدف مشروعی را مشروع نمی‌داند؛ زیرا هدف هرگز وسیله را توجیه نمی‌کند و ابزار فساد و باطل را صحیح و حق نمی‌سازد.

راه رسیدن به آسایش و آرامش

انسان دوست می‌دارد آرامش و آسایش را بطور پایدار در اختیار داشته باشد. با آنکه می‌داند آرامش و آسایش دنیا و خوشبختی که در سایه آن به دست می‌آید، ناپایدار است، با این همه دنبال آن می‌رود.

از نظر قرآن، مردم سه دسته هستند: ۱. کسانی که تنها خوشبختی دنیا را می‌خواهند؛ ۲. کسانی که تنها خوشبختی آخرت را می‌خواهند، مانند راهبان مسیحی(حدید، آیه ۲۷)؛ ۳. کسانی که خوشبختی دنیا و آخرت را می‌خواهند.

خداوند در قالب دعا به مردم یاد می‌دهد تا خوشبختی هر دو سرا را بخواهند. در آیه ۲۰۱ سوره بقره آمده است: رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ پروردگارا ! به ما در دنیا نیکی و و در آخرت نیکی بده! و ما را از عذاب آتش دوزخ حفظ کن!

بهترین سرمشق نیکو که بتواند نیکی دنیا و آخرت را تامین کند، پیامبر اکرم (ع) است که خداوند او را به خلق عظیم(قلم، آیه ۴) ستوده است. از این رو، ایشان را به عنوان نمونه کامل انسانی که با داشتن عناصر بشری(کهف، آیه ۱۱۰) چون میل جنسی و مالی و غذایی و مانند آن(فرقان، آیات ۷ تا ۱۰) سعادت دنیا و آخرت را به دست آورده اشاره می‌کند و می‌فرماید: لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ‌اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ کانَ یَرْجُوا اللهَ وَ الْیَوْمَ الْآخِرَ؛ هر آینه برای شما در رسول الله سرمشق نیک برای کسانی است که امید به خدا و روز آخرت دارند.(احزاب، آیه ۲۱)

پس اگر می‌خواهیم خوشبختی دنیا و آخرت را با هم داشته باشیم، باید فلسفه و سبک زندگی خودمان را از پیامبر(ص) بیاموزیم و به ایشان اقتدا کنیم. به عنوان نمونه از آیات و روایات بر می‌آید کسی که دنیا و آخرت می‌خواهد باید به نماز بویژه اول وقت اهتمام ورزد؛ زیرا نماز مهمترین وسیله برای کسب آرامش و آسایش است. اگر از نظر روانی دچار اضطراب و ترس و اندوه هستید، نماز بهترین مایه آرامش است و اگر مشکلات مالی دارید و دچار بی‌برکتی هستید، نماز بخوانید؛ زیرا نماز مهمترین عبادتی است که تقوا را موجب می‌شود و تقوا تامین‌کننده سعادت دنیا و آخرت است.(بقره، آیه ۲۱؛ حجرات، آیه ۱۴)

چراغ راه

مرز میان ظلم و عدالت

قال‌الامام علی(ع): علیک بالقصد فی‌الامور ، فمن عدل عن القصد جارومن اخذ به عدل»

امام علی(ع) فرمود: بر تو باد به میانه‌روی در کارها، که هرکس از مرز میانه‌روی روی برتافت، بیدادگری نموده است و هرکس آن را پیشه خود ساخت، عادل خواهد بود. [1]

---

[1] غررالحکم، درر الکلم، ص ۴۴۴

حکایت خوبان

نفی تبعیض و بی‌عدالتی

دو زن نزد امام‌علی(ع) آمدند و اظهار فقر و طلب کمک نمودند. امیرالمومنین(ع) فرمودند: «بر ما واجب است تا در صورت درستی سخنتان به شما کمک کنیم» امام علی(ع) مردی را به بازار فرستادند تا برای آنها پوشاک و غذا خریداری نماید و به هر یک از آنها نیز صد درهم دادند. اما یکی از زنان لب به اعتراض گشود: «من عرب هستم! در حالی که این زن عجم است! چرا باما یکسان رفتار می‌کنید؟ سهم عرب باید بیشتر باشد!»

امام علی(ع) فرمودند: قرآن را خوب خوانده‌ام و در آن تامل نموده‌ام. در هیچ یک از آیات قرآن ندیده‌ام که به اندازه بال پشه‌ای بین عرب و عجم فرقی باشد.» [1]

---

[1] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۳

پرسش و پاسخ

چگونگی تبدیل سیئات به حسنات

پرسش:

اینکه قرآن کریم می‌فرماید: «حسنات سیئات را از بین می‌برد»، لطفا درباره چگونگی این تبدیل و تغییر توضیح دهید.

پاسخ:

درباره مراتب مختلف تغییر و تبدیل أعمال به ارادهٔ خداوند متعال و بطور کلّی دربارهٔ مختفی شدن اعمال سیّئه، و یا از بین رفتن آنها، و یا تبدیل به اعمال حسنه شدن، و دربارهٔ تکثیر اعمال خیر؛ در قرآن کریم مطالبی مطرح شده است.

۱- مختفی شدن گناه به واسطه روپوشی که خداوند بر روی آن در عالم معنی و حقیقت می‌کشد. و این در چند مورد منصوص است: یکی در مورد توبه:

«یـا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسی رَبُّکُمْ أَنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد» (تحریم- ۸)

و دیگری دربارهٔ اجتناب از معاصی کبیره است، که در این صورت خداوند از معاصی صغیره در می‌گذرد؛ اگر چه از آنها توبه بعمل نیامده باشد. یعنی نفس اجتناب از کبائر، خود بخود موجب غفران و کفّاره از صغائر است: «إِن تَجْتَنِبُوا کَبَآئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُکَفِّرْ عَنکُمْ سَیِّـاتِکُمْ» «اگر شما از کارهای بزرگی که از آنها نهی شده‌اید اجتناب ورزید، ما از سیّئات و بدی‌های شما که کوچک است می‌گذریم و نادیده می‌گیریم.» (النّساء- ۳۱)

و دیگری ایمان به خدا و عمل صالح است، که خود بخود موجب غفران بدی‌های گذشته می‌شود:

«مَن یُؤْمِن بِاللَهِ وَ یَعْمَلْ صَـلِحًا یُکَفِّـرْ عَنْهُ سَیِّاتِهِ» «و کسی که ایمان به خدا آورد و عمل نیکو انجام دهد، خداوند تمام بدی‌های او را می‌پوشاند.» (التّغابن- ۹)

و دیگری تقوی است: «وَ مَنْ یَتَّقِ اللَهَ یُکَفِّرْ عَنْهُ سَیِّاتِهِ وَ یُعْظِمْ لَهُو أَجْرًا» «و کسی که تقوای خدا را پیشه سازد، خداوند بدی‌های او را می‌پوشاند و پاداش او را بزرگ قرار می‌دهد.» (الطلاق- ۵)

و بطور کلّی هر کردار خوبی که انسان برای خدا انجام دهد، خداوند اگر بخواهد گناهان انسان را می‌آمرزد:

إِنَّ اللَهَ لَا یَغْفِرُ أَن یُشْـرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ مَا دُونَ ذَالِکَ لِمَن یَشَآءُ» «حقّاً خداوند شرک به خود را نمی‌آمرزد، و غیر از شرک را هر چه باشد برای کسانی که بخواهد می‌آمرزد» (النّساء- ۴۸ و ۱۱۶)

۲- آنکه اعمال صالحه موجب از بین رفتن و نابود شدن اعمال سیّئه می‌گردد؛ یعنی سیّئه موجود را خداوند معدوم می‌کند. «إِنّ الْحَسَنَـتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّـاتِ» (هود- ۱۱۴)

و نیز در نابود گردانیدن خداوند ثواب و حسنه موجود را، آیات وارده در موارد حبط و ماشابَهَها این معنی را می‌رساند.

«وَ قَدِمْنَآ إِلَی مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَـهُ هَبَآءً مَّنثُورًا» «(نسبت به کسانی که امید لقاء ما را ندارند و استکبار می‌ورزند) ما چنین قصد و اراده داریم که تمام اعمالی را که بجای آورده‌اند، چون گرد و غبار پراکنده، نابود و خراب سازیم» (الفرقان- ۲۳)

«ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ کَرِهُوا مَآ أَنزَلَ اللَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَـلَهُمْ» «این به علّت آنست که کافران ناپسند دارند آنچه را که خداوند فرو فرستاده است از آیات خود، پس بنابراین خداوند اعمال آنها را حبط و نیست می‌نماید.» (محمّد- ۹)

و از همین قبیل است تعبیر به «ضَلال» کردن، چون ضلال به معنای گم شدن است. «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَـلَهُمْ» «و کسانی که کافر شده‌اند، پس مرگ و هلاکت باد برایشان؛ و خداوند اعمال آنان را نابود و گم می‌سازد.» (محمّد- ۸)

۳- آنکه اعمال نیکو موجب تبدیل سیّئات گذشته به حسنات میشود؛ یعنی تمام بدی‌ها و گناهان تبدیل به خوبی‌ها و طاعت‌ها می‌گردد.

«إِلَّا مَن تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ عَمَلاً صَـلِحًا فَأُولَـئِکَ یُبَدِّلُ اللَهُ سَیِّـاتِهِمْ حَسَنَـتٍ وَ کَانَ اللَهُ غَفُورًا رَّحِیمًا» «مگر کسانی که از آن قبائح و زشتی‌ها برگردند و ایمان بیاورند و اعمال صالحه انجام دهند؛ خداوند سیّئات آنان را مبدّل به حسنات می‌کند و خداوند غفور و مهربان است» (الفرقان- ۷۰)

۴- آنکه خداوند عمل قلیل را تکثیر می‌کند: «أُولَـئِکَ یُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَیْنِ بِمَا صَبَرُوا» «اجر و پاداش ایشان در اثر صبر و تحمّلی که نموده‌اند، دو چندان داده می‌شود.» (القصص- ۵۴)

«مَن جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُو عَشْرُ أَمْثَالِهَا» «هر کس کار نیکی بیاورد، پس برای او، ده چندان آن عمل خواهد بود.» (الانعام- ۱۶۱)

۵- آنکه خداوند عمل معدوم را موجود می‌کند: «وَ الَّذِینَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُم بِإِیمَانٍ أَلْحَقْنَابِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ مَا أَلَتْنَـهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَیْءٍ کُلُّ امْرِیءٍ بِمَا کَسَبَ رَهِینٌ» «آن کسانی که ایمان آورده‌اند و ذرّیّه و فرزندان آنها در ایمان از آنها پیروی نموده‌اند، ما آن ذرّیّه و فرزندان را به پدرانشان می‌رسانیم و ملحق می‌سازیم، بدون آنکه از اعمال پدران آنها چیزی کم و کاست کنیم؛ و هر کس مرهون اعمال مکتسبه خود اوست.» (الطّور- ۲۱)

در اینجا ملاحظه می‌شود که ذرّیّه‌ای که فقط پیروی کنند از پدرانشان، در عمل و پاداش ملحق به آنها می‌شوند؛ بدون آنکه خداوند عمل پدران را تقسیم کند: نیمی برای آنها و نیمی برای ذرّیّه بگذارد. بلکه بدون کاهش از عمل پدران، بواسطه پیروی فرزندان از پدران و لحوق به ایشان، تمام اعمال حسنه و خیراتی که برای پدران است، برای ذرّیّه هم خواهد بود.

صفحه معارف روزهای: شنبه، یکشنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir